

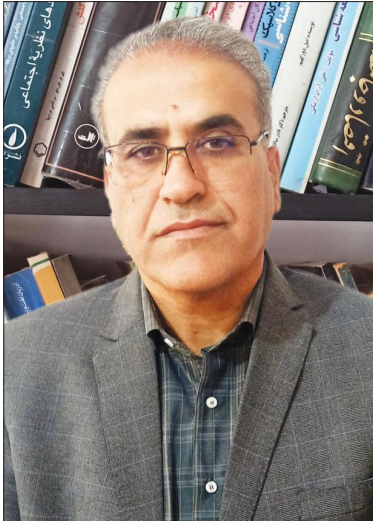
# جامعه



- + سرمایه اجتماعی در جامعه ایرانی
- + توسعه یافتگی؛ وجهی از فرهنگ جامعه توسعه یافته
- + خلاقیت آموزشی
- + تأکید بیشتر بر رابطه دانشگاه با جامعه به جای رابطه با صنعت

# سرمایه اجتماعی در جامعه ایرانی

## بنیان‌ها و راهکارهای تقویت و مدیریت



### ♦ دکتر علی ایاری

دکتری جامعه‌شناسی نظری - فرهنگ دانشگاه تهران و پژوهشگر  
پسا دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی - توسعه دانشگاه تهران

### سرمایه اجتماعی (تاریخچه و تعاریف)

سرمایه اجتماعی در دو دهه اخیر در ادبیات توسعه و سیاست‌گذاری به یکی از مفاهیم پایه بدل شده است. اگرچه می‌توان خط سیر سرمایه و تبارشناسی این مفهوم را به جامعه‌شناسی کلاسیک و آثار دورکیم و زیمل برگرداند، اما مواجهه جامعه‌شناسی جدید، با این مفهوم، منظری نو به کمیت و کیفیت روابط اجتماعی گشوده است؛ چرا که با تعریف ارتباطات به‌عنوان یک سرمایه و تمرکز بر فعالیت‌های روزانه سطح میانی نهادها، مؤسسات و انجمن‌ها، سطوح فرد، میانی و کلان را به هم ارتباط می‌دهد (فیلد، ۱۳۸۵: ۱۰). این مفهوم در معنای جدید خود ابتدا توسط هانی فن در سال ۱۹۲۰ در ایالت ویرجینای آمریکا و سپس در سال ۱۹۶۰ در کتاب «مرگ و زندگی در شهرهای بزرگ آمریکا» اثر جین جیکویز مورد استفاده قرار گرفت (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۱۰). اگر چه در دهه ۹۰ جامعه‌شناسان اروپایی و آمریکایی از جمله افکار بوردیو، کلمن و پاتنام این مفهوم را عمومیت بخشیدند.

سرمایه اجتماعی در معنای متعارف آن به کم و کیف روابط اجتماعی، مشارکت اجتماعی شهروندان که توأم با اعتماد، صداقت و خیرخواهی متقابل است، ارجاع دارد. امری بسیار عینی در زندگی روزمره اعضای یک جامعه. برخلاف آن چه پورتنس (۱۳۸۵) استدلال می‌کند دیرپا بودن و دم‌دستی بودن یک مفهوم یا پدیده نمی‌تواند نشان از بی‌اهمیتی آن باشد در خوانشی معکوس می‌تواند بیانگر اهمیت آن مفهوم باشد؛ زیرا بنا بر تحقیقات متعدد، سرمایه اجتماعی همکاری

و هماهنگی برای کسب سود متقابل، توسعه و رفاه همگانی را تسهیل می‌کند. مطالعات مختلف نشان داده‌اند که اختلاف بین مناطق و کشورها از نظر توسعه اجتماعی و اقتصادی، رشد و ثبات سیاسی ناشی از اختلاف آن‌ها در انباشته و ذخیره سرمایه اجتماعی است. از سرمایه اجتماعی تعاریف متفاوتی ارائه شده است البته در عین تنوع دارای همپوشانی بوده و مکمل همدیگر هستند. از نظر جیمز کلمن سرمایه اجتماعی چیزی نیست جز قابلیت مردم برای همکاری چه به‌عنوان یک گروه و چه به‌عنوان بخشی از یک سازمان، برای اجرای پروژه‌هایی که نفعی مشترک را در بردارند (مرنیسی، ۱۳۸۵: ۶۳۷).

پورتنس (۱۳۸۵) استدلال می‌کند که سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که چگونه اشکال غیر پولی می‌توانند سرچشمه‌های مهم قدرت و نفوذ باشند و همچنین چگونه به‌عنوان یک ابزاری، در دست سیاست‌گذاران می‌تواند به راه‌حل‌های کم‌هزینه و غیراقتصادی منتهی

سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که چگونه اشکال غیر پولی می‌توانند سرچشمه‌های مهم قدرت و نفوذ باشند و همچنین چگونه به‌عنوان یک ابزاری، در دست سیاست‌گذاران می‌تواند به راه‌حل‌های کم‌هزینه و غیراقتصادی منتهی شود. از نظر پاتنام ملاک سرمایه اجتماعی اصل همبازی تعمیم یافته است به این معنی که من اکنون این کار را برای شما انجام می‌دهم، بی‌آنکه بلافاصله چیزی در مقابل آن انتظار داشته باشم اما با این اطمینان که در طول راه شما یا دیگری، لطف مرا پاسخ خواهد داد.

شود. از نظر پاتنام ملاک سرمایه اجتماعی اصل همبازی تعمیم یافته است به این معنی که من اکنون این کار را برای شما انجام می‌دهم، بی‌آنکه بلافاصله چیزی در مقابل آن انتظار داشته باشم اما با این اطمینان که در طول راه شما یا دیگری، لطف مرا پاسخ خواهد داد (پاتنام، ۲۰۰۰: ۱۳۴). از نظر پکستن سرمایه اجتماعی دارای دو جز است که عبارتند از اعتماد و پیوند است (فیلد، ۲۰۰۳: ۱۶۷). به‌طور خلاصه می‌توان دیدگاه‌های نظری پیرامون سرمایه اجتماعی بنابر تقسیم‌بندی ولکاک و نارایان به صورت زیر خلاصه نمود:

- ۱- اجتماع محلی گرا؛ در این رویکرد تعداد و تراکم سازمان‌های غیررسمی فعال اجتماع محلی را مهم‌ترین شاخص سرمایه اجتماعی می‌دانند (ولکاک و نارایان، ۱۳۸۵: ۵۳۵).
- ۲- دیدگاه شبکه‌ها که مبتنی بر تحقیقات گرانووتر است نشان می‌دهد که روابط درونی اجتماعات محلی و پیوندهای بین اعضا این‌گونه اجتماعات به خانواده‌های

### راهبردهای تقویت سرمایه اجتماعی

برای این که راهبردهای پیشنهادی قابل فهم باشند به دو دیدگاه نظری به اختصار اشاره می‌کنیم تا نشان داده شود که منابع تولید و تقویت سرمایه اجتماعی کدامند و از جهت دیگر متناسب با مختصات جامعه ایرانی این منابع و سرچشمه‌ها را چگونه می‌توان شناسایی و در مسیر مدیریت سرمایه اجتماعی به کار گرفت. فوکویاما ضمن اشاره به امکان حفظ و مدیریت سرمایه اجتماعی معتقد است که سرمایه اجتماعی یک کالای جمعی است که منافع آن به‌طور وسیع توزیع می‌شود بنابراین

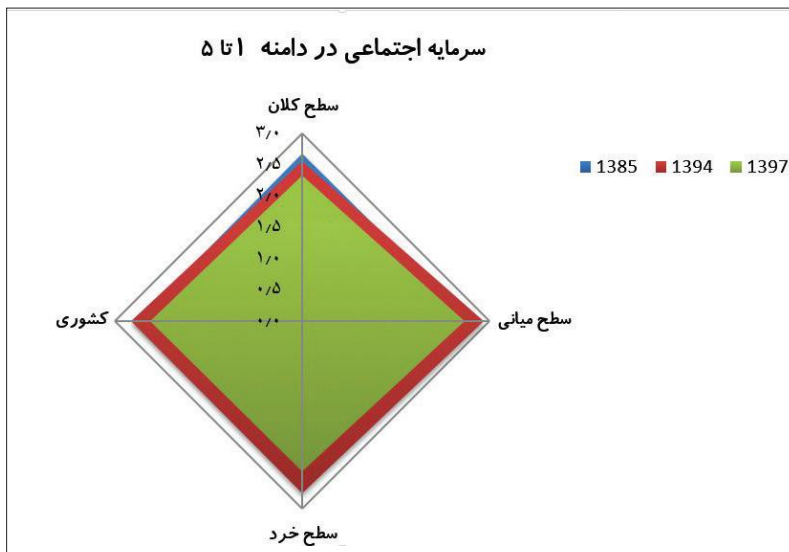
تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی نیز وضعیت اعتماد را در سطح متوسط گزارش کرده است. بررسی روندی یافته‌های ایسپا درباره این پرسش از آذرماه ۱۳۹۴ حاکی از تغییرات اندک و قابل‌چشم‌پوشی در نسبت موافقان و مخالفان با گزاره «بیشتر مردم قابل اعتمادند» است. در آذرماه ۱۳۹۴، ۲۷/۹ درصد شهروندان با این گزاره اظهار موافقت کرده‌اند، این نسبت در مرداد ۱۳۹۷ با کاهش جزئی به ۲۵/۶ درصد، در بهمن‌ماه ۱۳۹۸ به ۲۶/۵ درصد و در آبان ۱۴۰۰ به ۲۶/۸ درصد و در اسفندماه ۱۴۰۰ به ۳۰/۲ درصد رسیده است، نمودار شماره (۲).

عضو و کل اجتماع محلی حس هویت و احساس تعلق بالا و در نهایت هدفی مشترک می‌بخشد (استونز و دیگران، ۱۹۹۹ به نقل از موسوی و علیپور، ۱۳۹۱: ۳۲). در این نگاه به ساختارها توجه نمی‌شود و سرمایه اجتماعی را متعلق به اعضای شبکه‌ها تعریف می‌کنند و متناسب با آن، سرمایه اجتماعی به دو گونه درون و برون‌گروهی تقسیم می‌شود. ۳- دیدگاه نهادی مدعی است که سرزندگی شبکه‌های اجتماعی عمدتاً محصول محیط سیاسی، حقوقی و نهادی است که فایده‌مندی شبکه اجتماع محلی و جامعه مدنی را مشخص می‌کند؛ بنابر این دیدگاه، سرمایه اجتماعی متغیر وابسته‌ای محسوب می‌شود که متأثر از کیفیت نهادی رسمی است (ولکاک و نارایان، ۱۳۸۵: ۵۴۵).

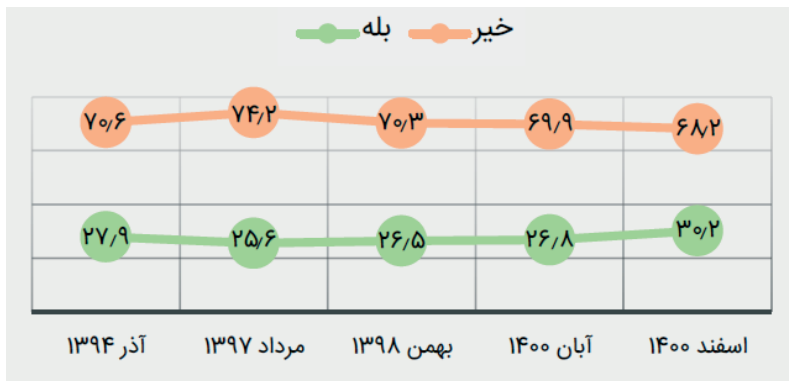
۴- دیدگاه همیاری یا هم‌افزایی بنابر مفروضات این دیدگاه کنشگران گروه‌های اجتماعی جامعه مدنی، بخش خصوصی و دولت در تعامل متقابل با هم سازنده سرمایه اجتماعی هستند (همان: ۵۴۸).

### وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران

در ایران تاکنون گزارش‌های سه موج مطالعاتی در خصوص سرمایه اجتماعی منتشر شده است، با توجه به این گزارش‌ها، وضعیت سرمایه اجتماعی در سطح متوسط قرار دارد. گزارش سه موج پیمایش سرمایه اجتماعی در ایران (نمودار شماره (۱)) نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در سطح متوسطی وجود دارد که به‌منظور جلوگیری از فرسایش و ارتقاء باید راهبردهایی عملیاتی برای آن طراحی نمود. البته باید اشاره نمود که سنجش‌های سرمایه اجتماعی متناسب با جامعه ایرانی طراحی نشده و به منابع سرمایه اجتماعی متناسب با فرهنگ ایرانی- اسلامی به‌صورت کامل توجه نشده نیز باید تمرکز نمود. در هر صورت با عنایت به داده‌های موجود، مدیریت و تقویت سرمایه اجتماعی امری اجتناب‌ناپذیر است. بررسی‌های ایسپا (مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران) نیز در خصوص اعتماد عمومی به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین عناصر



نمودار شماره (۱) گزارش سه موج پیمایش سرمایه اجتماعی در ایران (منبع: گزارش‌های وضعیت سرمایه اجتماعی موج اول ۱۳۸۵، موج دوم ۱۳۹۴ و موج سوم ۱۳۹۷)



نمودار شماره (۲) نسبت موافقان و مخالفان با گزاره «بیشتر مردم قابل اعتمادند» (منبع ایسپا، ۱۴۰۰)



به عامل و یا منبعی که آن را ایجاد کرده است قابل تخصیص نیست (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۷۴). منابع تولید سرمایه اجتماعی از نظر فوکویاما در شکل شماره (۱) آمده است. اگر چه از نظریه فوکویاما، می‌توان راهبردهایی برای تقویت سرمایه اجتماعی استخراج نمود، اما شناسایی هستی اجتماعی و مؤلفه‌های متشکله آن در جامعه ایرانی می‌تواند راهگشا باشد به این منظور می‌توان به استخدام گزاره‌های تئوریک «نظریه جامعه ایرانی» دکتر تقی آزاد ارمکی اقدام نمود. وی در دو دهه اخیر با نقد بنیادین دستگاه‌های مفهومی - نظری پیرامون جامعه ایرانی در کتاب‌های بنیان‌های فکری نظریه جامعه ایرانی (۱۳۹۱) و نظریه تغییرات فرهنگی در ایران (۱۳۹۴) و جامعه ایرانی: جامعه‌ای ناهموار (۱۴۰۰)، دستگاه نظری خاصی ارائه داده است. دکتر تقی آزاد ارمکی ایران را جامعه‌ای متکثر و تاریخی می‌داند که با محوریت فرهنگ، نهادهای سه‌گانه دین، خانواده و دولت و نیروهای متناظر با آن‌ها- روحانیت، روشنفکران دینی و غیر دین؛ نسل‌های سه‌گانه، حکمرانان، بوروکرات‌ها، تکنوکرات‌ها- و همچنین گروه‌های قومی، اصناف و اقشار مختلف از مرکزترین تا حاشیه‌ای‌ترین نیروها، سامان‌یافته است و تحولات آن نیز در این عرصه از طریق

سامان‌یافتگی نظام کنشی و نقش‌آفرینی نیروهای اجتماعی در دوره‌های مختلف رقم می‌خورد، بنابراین شکل رابطه بین نیروهای اجتماعی که می‌تواند اشکال انزوای طلبانه، تزاحمی، تعاملی و تخصیصی باشد بر این تحولات اثرگذار است. بر این اساس است که وی استدلال می‌کند دولت، سازنده جامعه نیست، بلکه در تعامل با جامعه قرار دارد و دولت جامعه از مسیر شکل تعامل گروه‌ها و نیروهای اجتماعی بر هم اثر می‌گذارند وی در نهایت راز ماندگاری این جامعه را هویت و فرهنگ می‌داند، خرده‌فرهنگ‌ها متنوع ذیل مفهوم ایران که در نهایت موجب فرهنگی امر اجتماعی همراه با تنوع توانمندی و ظرفیت در ساحت‌های متفاوت است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۱، ۱۴۰۰). بنابراین نظریه نهادهای قانونی مانند «دین»، «خانواده» و «نظام سیاسی» و «خرده‌فرهنگ‌ها/ اجتماعات محلی» «فرهنگ و هویت ایرانی- اسلامی» و «نوع و نحوه تعامل بین گروه‌های اجتماعی» در فهم و تقویت سرمایه اجتماعی مؤثر هستند. بنابر این نظریه، نهادها و نیروهای متناظر با آن‌ها در خلق و فرسایش سرمایه اجتماعی اثرگذار است؛ به‌عنوان مثال در شکل رابطه انزوای طلبانه و تخصیصی تنها شاهد شکل‌گیری وجه منفی سرمایه اجتماعی و یا فرسایش سرمایه

اجتماعی هستیم و تنها در شکل تعاملی رابطه بین نیروهای اجتماعی می‌توان انتظار حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی داشت.

### راهکارهای تقویت سرمایه اجتماعی

#### ۱- نهاد دین (ابعاد دین‌داری، نیروهای ساحت دین و دین‌داران)

بنا بر نظریه جامعه ایرانی، یکی از ویژگی‌های بارز جامعه ایرانی دین‌داری بوده است و نهاد دین یکی از نهادهای قانونی جامعه ایرانی؛ بنابراین از این منظر یکی از بستریهایی که می‌تواند بر سرمایه اجتماعی اثرگذار باشد «نهاد دین» و نیروهای اجتماعی متناظر با این نهاد و البته تعامل این نهاد و نیروهای آن با سایر نهادها و نیروهای اجتماعی است. آموزه‌های اسلام از یک سو سرچشمه‌های سرمایه اجتماعی را ترویج و تقویت و از سوی دیگر عناصر شناختی آن را تأیید و توصیه می‌کند.

بنابراین سرمایه اجتماعی در ایران برخلاف غرب در وجه شناختی غنی و نیرومند بوده و انگیزه‌های لازم را برای رشد و شکوفایی آن فراهم می‌کند؛ به‌عنوان مثال تأکید اسلام بر تعامل و دوستی با دیگران در قالب مفهوم «اخوت» و معرفی و تمرکز بر مؤلفه‌های تسهیل‌گر در ارتباط با دیگران مانند خوش‌رویی، حسن خلق و ادب و همچنین تأکید بر مناسک و آیین‌های خود، شرایط را برای ارتباط فراهم کرده است و در مناسکی مانند حج و نماز جمعه این روابط در سطح کلان بر سرمایه اجتماعی اثرگذار است (پیربابایی و همکاران، ۱۳۹۵). نقش دین در اعتلای سرمایه اجتماعی و اعتماد از دیرباز موردتوجه جامعه‌شناسان بوده است. تأکید «ماکس وبر» بر نقش دین در خلق شبکه‌های اعتمادی که برای روابط تجاری و اقتصادی مهم است (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۱۰۳). وجوه متفاوت دین‌داری از بُعد اعتقادی گرفته تا بُعد مناسکی دین هر کدام می‌توانند ظرفیت‌های برای خلق سرمایه اجتماعی و تقویت اعتماد اجتماعی به‌مثابه بنیادی‌ترین عنصر سرمایه اجتماعی در اختیار بگذارند. به لحاظ تاریخی، نهاد دین و نیروی متناظر با آن و حتی محاکم



شکل شماره (۱) منابع تولید سرمایه اجتماعی از نظر فوکویاما

سنت‌ها مکانیزم‌های ارتباط، تعامل متقابل و مشارکت تعبیه شده است که با نادیده گرفتن هر کدام از آن‌ها و یا نابودی‌شان در اصل منابع سرمایه اجتماعی به تحلیل می‌روند. با «سنت شاهنامه‌خوانی» که در بین تمام خرده‌فرهنگ‌های ایرانی وجود داشته است، اما این سنت در بین لرها برجسته‌تر است. همین روایت‌گری بر تقویت سرمایه اجتماعی، تعلق به هویت ملی و حس تعلق به ایران و ایرانی شده است و بعدها در خلق روحیه حماسی و آثار فاخر موسیقایی، تعلق به وطن و مؤلفه‌های هویت ملی-مذهبی در جغرافیای فرهنگ لری اثرگذار بوده است؛ به‌عنوان مثال تصنیف حماسی «دایه دایه» در تاریخ سرزمین ما در چندین مقطع و به‌صورت بارز در هشت

حضورش تصنعی نیست. در جامعه ایرانی حفر آب‌آورها، قنات‌ها، سور و سوگ‌ها، شیوه‌های تعاون و یارگیری مشارکت اجتماعی را به‌عنوان یکی از عناصر سرمایه اجتماعی سامان داده‌اند؛ بنابراین با مدیریت و روزآمد نمودن سنت‌ها می‌توان سرمایه اجتماعی مندرج در بطن آن‌ها را احیاء و در ساحت‌های جدید به کار گرفت. سنت «دشت» در بین آذری زبان‌ها و در بازار بزرگ تبریز به‌عنوان امری عینی و انضمامی در نوعی خودش بی‌نظیر بوده است، سنت دشت در این بازار نشان می‌دهد که بازار سرشار از خیرخواهی متقابل، نوع‌دوستی است و امر اقتصادی یکی از مؤلفه‌های موجود در بازار است بلکه نوع‌دوستی، روا داری، رقابت عادلانه و منصفانه اصل است. در این نسق‌ها و

شرع برخاسته از ساحت دینی توانسته در سطح ملی و محلی، خاستگاه حرکت‌های اجتماعی و سیاسی مهمی در تاریخ معاصر ایران باشد. جنبش تنباکو، انقلاب مشروطه، انقلاب اسلامی و بسیاری از حرکت‌های ضد استعماری و ضد استبدادی در ایران نمونه‌ای از حرکت‌ها و جنبش‌های اثرگذار در تاریخ معاصر ایران است که نهاد دین و نیروهای متناظر با آن در آن‌ها نقش‌آفرین بوده‌اند. مثال نقش‌آفرینی تاریخی روحانیت در امر آموزش، وقف، امور زندگی روزمره، پیشتازی در حمایت از مردم، نظارت بر امور حقوقی و ثبتی بازار و گونه‌های مختلف پیوند آن‌ها با زندگی مردم (کدی، ۱۳۸۱ و الگار، ۱۳۵۶ به نقل از آزاد ارمکی و جنادله، ۱۳۹۳: ۴۷) نشان از تأثیر چندوجهی نیروهای متناظر با نهاد دین در جامعه ایرانی است؛ بنابراین در مدیریت سرمایه اجتماعی بایستی به نهاد دین و نیروهای متناظر به آن توجه داشت.

## ۲- توجه به خرده‌فرهنگ‌ها و نهادهای بوم زاد

بنابر نظریه جامعه ایرانی، جامعه ایرانی همسو با گستردگی جغرافیایی علیرغم اشتراک در شاکله‌های اصلی فرهنگ ایرانی دارای تنوع و مختصات خاص خود هم هست، بنابر این نظریه امکان مدیریت سرمایه اجتماعی بدون توجه به بوم و اجتماعات محلی وجود ندارد. نسق‌های برآمده از ژرفای تاریخی اجتماعات محلی ایران مقوم سرمایه اجتماعی بوده‌اند و هستند، با صدور بخشنامه نمی‌توان به تولید سرمایه اجتماعی پرداخت؛ چرا که سده‌ها طول می‌کشد که سنت و نسق شکل بگیرد، پالوده و متناسب با هستی اجتماعی سامان بگیرد (ایبار و عنبری، ۱۴۰۲). همان‌گونه که فوکویاما می‌گوید که «سرمایه اجتماعی در جایی یافت می‌شود که سنت جامعه عمیقاً در تاریخ یک قوم ریشه داشته باشد» (مرنیسی، ۱۳۸۵: ۶۳۸). سنت‌های مختلف اجتماعی که برآمده از دل ژرفای تاریخی و هستی اجتماعی است، می‌تواند تولید سرمایه اجتماعی بکند. البته این به معنای واپس‌گرایی نیست؛ زیرا هر سنتی که تا به امروز توانسته است ادامه داشته باشد و واجد کارکرد باشد، یعنی این‌که



سال دفاع مقدس توانسته است به تقویت روح حماسه و تعلق سرزمینی و دفاع از این کشور کمک بکند. پس در سرمایه اجتماعی بوم نگری در سایه کلان نگری ملی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. بی‌شمار از این نسق‌ها و سنت‌ها می‌توان برشمارد که می‌توانند سرچشمه زایش و تقویت سرمایه اجتماعی باشند.

### ۳- ارتقای کارآیی سازمانی در سطوح چندگانه

بنابر نظریه جامعه ایرانی، یکی از نهادهای تأثیرگذار و شکل‌دهنده جامعه ایرانی، نظام سیاسی است، بنابراین کم و کیف نهادهای سیاسی و سازمانی می‌تواند بر تقویت یا فرسایش سرمایه اجتماعی اثرگذار باشد و حتی جهت‌گیری سرمایه‌های اجتماعی موجود را در جهت‌های سازنده یا مخرب هدایت بکند. همچنین به لحاظ نظری در جمع‌بندی نظری پیرامون سرمایه اجتماع ملاحظه شد که در برخی از نظریه‌ها و تعاریف، سرمایه اجتماعی در دیدگاه نهادی محیط سیاسی و حقوقی بر سرمایه اجتماعی و عملکرد شبکه‌ها اثرگذار است؛ بنابراین برای ارتقاء سرمایه اجتماعی اصلاحات نهادی و قانون‌گرایی می‌تواند نسبت به سایر رویکردها اثرگذاری بیشتری داشته باشد. تحقیقات و یافته‌های ریچاردز نشان می‌دهد که چگونه با خارج شدن قانون به‌مثابه میثاق عمومی و مشترک سرمایه اجتماعی دچار فروپاشی می‌شود (رز، ۱۳۸۵).

چنانچه در سطح سازمانی، قانون‌گرایی ملاک عمل نباشد، سرمایه اجتماعی موجود به‌صورت «خانواده‌گرایی غیراخلاقی» ظاهر می‌شود. آن چه امروز در ایران تحت عنوان طایفه‌گرایی و قبیله‌گرایی تحلیل می‌شود (آزاد ارمکی و ایار، ۱۳۹۹)، پیامد تضعیف قانون‌گرایی در سطح سازمانی است. برخی از پیمایش‌های ملی نشان می‌دهند که میزان اعتماد نهادی در ایران در حال فرسایش است. بنابر پیمایش ملی سنجش ارزش و نگرش ایرانیان در سال ۱۳۹۴ در مقیاسی که به سنجش پنداشت ایرانیان از عدالت پرداخته شده است، ۶۶/۶ درصد پاسخگویان با این‌گونه موافق و یا کاملاً موافق بوده‌اند که در صورت فقدان مؤلفه

پول و پارتی، حق فرد پایمال می‌شود و ۵۰ درصد موافق و کاملاً موافق بوده‌اند که بیشتر ثروتمندان از راه غیرقانونی ثروتمند شده‌اند، ۶۲/۹ درصد در سطح متوسط و پایین‌تر آن به عدالت سیاسی عقیده دارند، در حدود ۶۰/۸ درصد، در حد متوسط و پایین‌تر از آن مخالفت خود را با این‌گونه که «چنانچه حتی از کسی ضایع شود، می‌تواند از طرق قانونی به حق خود برسد» بیان نموده‌اند و ۳۸/۱ درصد نظر خود را در سطح مخالف و کاملاً مخالف با تساوی مردم و مسئولان در برابر قانون بیان کرده‌اند (ن. ک سنجش ارزش و نگرش ایرانیان، ۱۳۹۴: ۹۱-۸۶). در چنین شرایطی سرمایه اجتماعی موجود یا دچار فرسایش می‌شود و یا این‌که در مسیر فردگرایی، خانواده‌گرایی غیراخلاقی و قبیله‌گرایی سوق داده می‌شود که برای توسعه بسیار مخرب است؛ بنابراین یکی از راهبردهای تقویت سرمایه اجتماعی ارتقاء کارآیی نهادی و سازمانی است؛ چرا که نقش دولت در تسهیل نتایج توسعه‌ای از تمام نهادها و شبکه‌های دیگر مؤثرتر است (ولساک و نارایان، ۱۳۸۵).

### ۴- نظام‌های تخصصی و اعتماد

تغییر منابع و مخاطرات در جهان جدید، بیانگر دگرگونی در زمینه‌های زایش و فرسایش سرمایه اجتماعی هم محسوب می‌شود. گیدنز معتقد است که قابلیت اعتماد بر دو نوع است؛ یکی قابلیت اعتمادی است که میان افرادی که خوب همدیگر را می‌شناسند و بر مبنای زمانی طولانی و آشنایی درازمدت قابل اعتماد

جامعه ایرانی، یک جامعه چندگانه است؛ در کنار نهاد دین و نظام سیاسی، خانواده نیز یکی از مهم‌ترین کانون‌ها محسوب می‌شود. این کانون‌ها در تعامل با همدیگر موجب خلق سرمایه اجتماعی می‌شوند و تغییر و تحول آن‌ها در جهت مطلوب یا نامطلوب می‌تواند بر کیفیت سرمایه اجتماعی اثر بگذارد؛ چرا که سرمایه اجتماعی هر جامعه متناسب با ترکیب و تعامل نهادی در آن جامعه شکل خواهد گرفت.

بودن همدیگر را اثبات نموده‌اند، اما شکل دیگر از اعتماد، اعتماد به نظام‌های انتزاعی و تخصصی است، مثل اعتماد به پزشکان و غیره (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۰۱). اقشار و اصناف مختلف هر کدام در بخشی از نظام تخصصی یا نظام‌های انتزاعی کار می‌کنند؛ بنابراین کارایی نظام‌های تخصصی که امروز هر کدام در برابر بخشی از سلامت، امنیت، کالاها و خدمات موردنیاز مردم مسئولیت دارند، می‌تواند بر کم و کیف اعتماد به‌مثابه یکی از مهم‌ترین عناصر سرمایه اجتماعی تأثیرگذار باشد؛ به‌عنوان مثال، اشتباه یک تیم پزشکی در عمل جراحی، خطای تربیتی و آموزشی یک معلم مدرسه و دانشگاه، اختلاس یک مدیر، عدم برنامه‌ریزی و حتی غافل‌گیری ستاد بحران در مواجهه با حوادث طبیعی و غیرطبیعی، ورشکستگی یک بانک یا مؤسسات مالی از جمله مواردی است که می‌تواند به اعتماد آسیب جدی وارد کند؛ بنابراین یک راهبردی برای تقویت سرمایه اجتماعی، باید به ارتقاء کارایی نظام‌های تخصصی از حمل‌ونقل شهری گرفته تا خدمات پزشکی، مالی و آموزشی توجه داشته باشد. نظام حرفه‌ای و صنفی در صورت فعال شدن به‌عنوان بخشی از جامعه مدنی در این خصوص می‌تواند نقش آفرین باشند.

### ۵- تعامل متقابل سه وجهی (دولت، بخش خصوصی و انجمن‌های داوطلبانه)

از تعامل بین عناصر دولت، بخش خصوصی و انجمن‌های داوطلبانه، فرصت‌هایی خلق خواهد شد که هر کدام از نهادهای مذکور به‌تنهایی فاقد آن خصیصه و فرصت هستند، شکل شماره (۲).

بنابراین برای مدیریت و تقویت سرمایه اجتماعی، ما باید به طراحی و هم‌افزایی سه وجه اثرگذار بر سرمایه اجتماعی توجه داشته باشیم. دولت در دنیای مدرن یک فرا نهاد است که در تعامل با دو ضلع دیگر می‌تواند به بهبود وضعیت سرمایه اجتماعی کمک کند و بدون همیاری و تعامل با سایر بخش‌ها، قادر به پیشبرد ابتدایی‌ترین وظایف خود نیست، بنابراین بدون توجه به کم و کیف آن نمی‌توان از سرمایه اجتماعی صحبت نمود. همان‌گونه





کند؛ به نظر می‌رسد اتخاذ سیاست‌های مناسب برای تحکیم بنیان خانواده می‌تواند مقوم سرمایه اجتماعی و عامل ارتقاء سرمایه اجتماعی در ایران باشد.

#### ۷- گروه‌های مرجع

گروه‌های مرجع نقش‌های مهمی در هر جامعه بازی می‌کنند؛ نقش گروه‌های مرجع در تغییرات اجتماعی سیاسی جامعه از طریق تأثیرگری و الگودهی رفتاری بخش‌هایی از جامعه اهمیت پیدا می‌کند. گروه‌های مرجع می‌توانند اعتماد عمومی و مشارکت اجتماعی را در جامعه افزایش دهند و نقشی سازنده در عرصه اجتماعی و فرهنگی داشته باشند و می‌توانند برعکس عمل کنند (فلاح، ۱۴۰۰: ۸).

در جامعه امروزی با عنایت به تخصصی شدن ساحت‌های زندگی شاهد تنوع و تکثر گروه‌های مرجع هستیم. روجک (۲۰۰۱) نیز به موضوع سلبریتی‌ها پرداخته است و سلبریتی را با خوشنامی و بدنامی در جامعه تعریف می‌کند (فلاح، ۱۴۰۰: ۱۳). نقش آفرینی گروه‌های مرجع به شرایط یک جامعه بستگی دارد. در شرایط بحرانی، نقاط عطف تاریخی و همچنین شرایط سیاسی مانند انتخابات گروه‌های مرجع و نیروهای اجتماعی متناظر با نهادهای بنیادین جامعه ایرانی و سلبریتی مهم در کانون توجه قرار می‌گیرند؛ هر چه نقش آفرینی نیروهای اجتماعی بیشتر و روابط تعاملی بین آن‌ها بیشتر باشد، نقش آفرینی مشهور واره‌ها کمتر است و بالعکس. از منظر تئوریک یکی از عوامل مقوم سرمایه اجتماعی تجارب مشترک، مانند انتخابات و رخدادهای بزرگ است، وقتی فلان استاد دانشگاه به‌عنوان مرجع با وجود تفاوت دیدگاه، مردم را به مشارکت دعوت می‌کند، یعنی طیفی از جامعه که «دیگری مهم» یا «مرجع» اش دانشگاه است از این دعوت تأثیر می‌پذیرد. این موضوع در مورد تمام گروه‌های مرجع و سلبریتی‌ها صادق است. گروه‌هایی مرجع نقش شایسته‌ای در تقویت اعتماد اجتماعی و آرام‌سازی شرایط در وضعیت‌های بحرانی دارند؛ بنابراین می‌توانند با ایجاد اعتماد و امیدبخشی در ترکیب با رسانه‌ها در تقویت



مانند جدایی، طلاق و مهاجرت سبب تضعیف سرمایه اجتماعی می‌شوند به‌محض آن که فامیل‌ها، شبکه‌های خویشاوندی، دوستی و دیگر تماس‌های خود را رها کرده‌اند، سرمایه اجتماعی رو به کاهش رفته است (فیلد، ۱۳۸۵). تلاش برای حفظ ثبات و پایداری خانواده در اصل تلاش برای تقویت سرمایه اجتماعی است که همین موارد در یک فرایند سیکلی می‌توانند همدیگر را تقویت کنند؛ یکی از خطرات و تهدیدکننده‌های خانواده در ایران موضوع طلاق است که علی‌رغم افزایش آمار آن به‌صورت عینی از منظر ذهنی نیز نگران‌کننده است، چرا که پیمایش‌ها نشان می‌دهند که ۹۵ درصد مردم عقیده دارند که امروزه میزان طلاق بیشتر از گذشته شده است. یکی از چالش‌های نسلی خانواده در ایران آن است که طلاق ساختار جدیدی پیدا کرده است؛ به این صورت که نسل اول طلاق را امر خلاف عرف تلقی نموده و آن را ناروا می‌داند، در صورتی که در میان جوانان طلاق راهی برای نجات از مشکلات در خانواده است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۳۶-۳۴). با حادث شدن طلاق و هرگونه گسیختگی اجتماعی مانند مهاجرت به تعبیر پاتنام افراد مهاجر سرمایه اجتماعی را در پشت سر خود به‌جا می‌گذارند. گسترش طلاق و کاهش ابعاد خانواده در ایران می‌تواند فرسایش سرمایه اجتماعی را تشدید

که در سطور بالا ذکر شد بنا بر رویکرد نهادی دولت و در معنایی عام‌تر محیط سیاسی، حقوقی و نهادی به‌مثابه متغیر اثرگذار بر سرمایه اجتماعی عمل می‌کنند.

#### ۶- ثبات و انسجام اجتماع و خانواده

جامعه ایرانی، یک جامعه چند کانونه است؛ در کنار نهاد دین و نظام سیاسی، خانواده نیز یکی از مهم‌ترین کانون‌ها محسوب می‌شود (آزاد ارمکی، ۱۳۹۱). این کانون‌ها در تعامل با همدیگر موجب خلق سرمایه اجتماعی می‌شوند و تغییر و تحول آن‌ها در جهت مطلوب یا نامطلوب می‌تواند بر کیفیت سرمایه اجتماعی اثر بگذارد؛ چرا که سرمایه اجتماعی هر جامعه متناسب با ترکیب و تعامل نهادی در آن جامعه شکل خواهد گرفت. تغییر در ساخت و کارکرد خانواده ایرانی، شامل هسته‌های شدن، سست شدن ارزش‌ها و از دست دادن برخی کارکردهای این نهاد (آزاد ارمکی و غیاثوند، ۱۳۸۳: ۹۷) می‌تواند بر سرمایه اجتماعی در جامعه ایرانی اثر منفی داشته باشد، البته این تغییرات با عنایت به شواهد قابل مدیریت است. از نظر کلمن سرمایه اجتماعی از دریچه روابط فامیلی تجلی می‌یابد. وی معتقد است که شروع سرمایه اجتماعی کارا از «روابط موجود در زمان تولد بچه آغاز می‌شود» (کلمن، ۱۹۹۱ به نقل از فیلد ۱۳۸۵: ۱۶۹)؛ بنابراین وی معتقد است که فرایندهایی که روابط خانوادگی را بر هم زده‌اند؛



اجتماعی چندگانه با نهادهای کانونی و بنیادین جامعه در درون نهاد و بین نهادی با هم رابطه تعاملی داشته باشند، امکان خلق و تقویت سرمایه اجتماعی وجود دارد. در شرایطی که به عنوان مثال در بین نیروهای متناظر با حوزه سیاست، رابطه تخصصی باشد، این تخصصها در اشکال ستیزآمیز مختلف ظاهر می‌شوند و با فرسایش اعتماد اجتماعی، در نهایت موجب تحلیل سرمایه اجتماعی می‌شوند؛ گاهی این رابطه تخصصی، به صورت بین نهادی و بین نسلی رخ می‌دهد؛ مثلاً سیاست‌گذاران در سیاست‌های رفاهی خود به نیازهای نسل سوم به مثابه یکی از نیروهای اجتماعی فعال در درون خانواده توجه ندارند، نیاز فراغت و فرهنگ را در اولویت قرار نمی‌دهد و یا این‌که دغدغه نسل دوم که مدیریت اقتصاد خانواده است به خوبی برآورده و تأمین نمی‌کنند؛ این موارد شرایط بی‌اعتمادی بین نیروهای اجتماعی و ایجاد فاصله و گسست بین آن‌ها و در نهایت موجب فرسایش سرمایه اجتماعی می‌شود. تنها با وجود یک رابطه تعاملی است که انباشت کنشی در بین نیروهای اجتماعی در یک جامعه شکل می‌گیرد و از دل همین روابط تعاملی است که اعتماد و مشارکت به عنوان بن‌لاد و بنیاد سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد. در روابط تخصصی بین نیروهای اجتماعی تنها شاهد شکل‌گیری گروه‌گرایی و جمع‌گرایی غیر اخلاقی-سرمایه اجتماعی بدون اتصال و میثاقی- در بین نیروهای اجتماعی هستیم که به جای سازنده بودن برای توسعه و رفاه جامعه مخرب است. ♦♦

#### منابع

- اسمیت، فیلیپ و رایلی، الگزندر (۱۳۹۴) نظریه فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
  - امیری، حسین، نجفی نژاد؛ محمود، موسوی، سیده محدثه و حسنی، محمدحسین. (۱۳۹۹) جریان‌های سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در ایران. برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ش ۱۱ صص ۸۹-۱۲۴
- (سایر منابع در دفتر فصل‌نامه موجود است.)

آینده) چشم‌انداز سازی و تصویرپردازی مثبت از آینده راهبردی است که می‌تواند امید، انگیزه، نشاط و تحرک و پویایی را به جامعه تزریق کند و از این طریق ارتقاء سرمایه اجتماعی را موجب گردد (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۴۷). آنچه استنلی کوهن در کتاب شیاطین خلق و وحشت‌های اخلاقی منظور خود را از اصطلاح وحشت اخلاقی چنین تعریف می‌کند که در آینده یک وضعیت، رخداد، شخص یا گروهی از اشخاص، تهدیدی برای ارزش‌ها و علایق اجتماعی، تشخیص داده می‌شوند (کوهن، ۱۹۷۳: ۹ به نقل از (اسمیت و رایلی، ۱۳۹۴: ۱۶۷)؛ بنابراین رسانه با اتخاذ یک رویکرد آگاهی بخشی و امیدبخشی و به تعبیر دکتر تقی آزاد ارمکی (۱۳۹۱) اتخاذ رویکرد «روایت انتقادی امیدبخش» می‌تواند در ارتقاء سرمایه اجتماعی در جامعه ایرانی اثرگذار باشند.

#### ۹- رابطه تعاملی نیروهای اجتماعی

بنابر به گزاره‌های نظریه جامعه ایرانی و نظریه تغییرات فرهنگی در ایران، ما با سنخ‌های چندگانه از نهادهای کانونی و نیروهای چندگانه متناظر با این نهادها در جامعه ایرانی مواجه هستیم، در نتیجه رابطه بین نهادی- عاملیتی/ نیروی هم در درون خود نهادها و هم در رابطه با نیروهای اجتماعی به صورت بین نهادی بر کم و کیف سرمایه اجتماعی در جامعه ایرانی اثرگذار است. این نیروها می‌توانند در شکل‌های مخلف تعاملی، نزاحمی و تخصصی در ارتباط باشند. از حیث نظری تنها در شرایطی که نیروهای

سرمایه اجتماعی نقش‌آفرینی کنند. یافته‌های تحقیقات تجربی نشان می‌دهند که معلمان به عنوان یک گروه در بین سایر اقشار و اصناف از اعتماد مردم برخوردارند (ایسپا، ۱۴۰۰)، همچنین گزارش مرکز رصد فرهنگی کشور حاکی از جایگاه بالای معلمان و اساتید دانشگاهی از منظر اعتماد عمومی است و در جایگاه معتمدترین گروه قرار گرفته‌اند (فلاح، ۱۴۰۰: ۱۷). ارتباط این قشر با جامعه میلیونی دانش‌آموزی و تقریباً تمام خانواده‌های ایرانی از این قشر و رتبه بالای آن‌ها در اعتماد را می‌توان یک فرصت طلایی تلقی نمود. غفلت از مرجعیت معلمان و اثرگذاری آن‌ها در دو دهه اخیر زمینه‌ساز بسیاری از مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شده است که با توجه مضاعف به این قشر و ارتقای میزان رضایت آنان، این نیروی اجتماعی می‌تواند در مدیریت و تقویت سرمایه اجتماعی حداکثر نقش‌آفرینی داشته باشد. البته نباید غافل بود که توجه به قشر و صنفی خاص به معنای نادیده گرفتن سایر اقشار نیست؛ چرا که در جامعه، نقش تعاملی و ترکیبی این نیروها خیلی مهم است و نباید از آن غافل بود و توجه به یک قشر با غفلت از سایر اقشار و نیروها مترادف نیست.

#### ۸- راهبرد مدیریت رسانه‌ها

در مدرنیته متأخر، رسانه‌ها بخش جدایی‌ناپذیر زندگی ما محسوب می‌شوند؛ بنابراین آن چه در فضای رسانه‌ای می‌گذرد می‌تواند بر کم و کیف سرمایه اجتماعی و ابعاد آن اثر بگذارد. رسانه با ارائه روایت‌های امیدبخش توأم با واقع‌بینی می‌تواند در شکل‌گیری تصویر مثبت از آینده یک جامعه و احساس تعلق به وضعیت کنونی آن سهیم باشند. دایان وکاتز (۱۹۹۲) با خلق مفهوم «رخداد رسانه‌ای» بر این امر تأکید دارند که مردم بیشتر وقایع و رخدادها را پای گیرنده‌های تلویزیون تجربه می‌کنند نه در خیابان‌ها. آن‌ها اشاره می‌کنند که رخدادها رسانه‌ای موفق می‌توانند سیلی از احساسات نوع‌دوستانه شده و باعث شیوع تعلق گروهی شوند و به یکپارچگی ملت‌ها کمک کنند (اسمیت و رایلی، ۱۳۹۴: ۱۶۲)؛ راهبرد مثبت اندیشی و تصویرسازی مثبت از

